

پیامبر اعظم (ص)

به کودکان محبت کنید و به آنها رحم کنید و هر وقت به آنها وعده دادید به آن وفا کنید، چون آنها شما را روزی رسان خود می دانند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحبانیتاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سرمدیر: سید عابدین نورالدینی

چرا افزایش نرخ بهره در آمریکا برای کنترل قیمت‌ها دیگر جواب نمی‌دهد؟

فدراال رزرو زیر آتش نفت



گروه اقتصادی: آمریکا بار دیگر به همان مساله قدیمی اقتصاد رسیده؛ مساله‌ای که روی کاغذ ساده به نظر می‌رسد اما حل آن می‌تواند میلیون‌ها خانوار را تحت فشار قرار دهد. تورم هنوز بالااست و فدرال رزرو ناچار است میان ۲ گزینه نامطلوب حرکت کند: نرخ بهره را بیشتر بالا ببرد و هزینه وام، مسکن و سرمایه‌گذاری را سنگین‌تر کند یا دست نگه دارد و خطر ماندگاری تورم را بپذیرد.

آنچه این بار مساله را پیچیده‌تر کرده، منشأ بخشی از فشار قیمت‌هاست. بانک مرکزی با نرخ بهره می‌تواند تقاضا را سرد کند، مردم را به پس‌انداز بیشتر و خرید کمتر سوق دهد و وام گرفتن را گران و سرمایه‌گذاری را آهسته کند اما نرخ بهره نمی‌تواند یک نفتکش را از تنگه هرمز عبور دهد، ظرفیت پالایشگاهی تازه ایجاد کند یا قیمت گازوئیل را مستقیماً پایین بیاورد. «حیل کشکاری» رئیس فدرال رزرو مینی‌اپولیس همین محدودیت را با صراحت بیان کرده است: سیاست پولی قادر نیست مسیر هر مز را باز کند یا پهای نفت را کاهش دهد. همین‌جا گره اصلی اقتصاد امروز آمریکا شکل می‌گیرد: اگر شوک انرژی کوتاه باشد، بانک مرکزی می‌تواند بخشی از آن را تحمل کند و منتظر فروکش کردنش بماند اما اگر شوک طول بکشد و قیمت انرژی کم کم وارد کرایه حمل‌ونقل، مواد غذایی، کالاهای صنعتی، خدمات و انتظارات مردم شود، سکوت برای فدرال رزرو بسیار پرنیزه‌تر خواهد شد. داده‌های تازه نشان می‌دهد سیاست‌گذاران آمریکایی اکنون بیش از چند هفته قبل نگران همین سناریو هستند.

■ **بازگشت سایه افزایش نرخ**

فدرال رزرو در نشست ماه پیش نرخ سیاستی را ۰٫۲۵ درصد بالا برد و آن را به محدوده ۳٫۷۵ تا ۴ درصد رساند. از ۱۸ سیاست‌گذار حاضر در پیش‌بینی‌های بانک مرکزی، ۱۶ نفر دست کم یک افزایش دیگر را تا پایان سال محتمل دانسته‌اند. معامله‌گران بازار آتی احتمال افزایش دوباره نرخ در نشست این ماه را نزدیک ۷۰ درصد قیمت‌گذاری کردند.

این تغییر انتظار با فضای واقعی همخوانی دارد. پیمایش مقدماتی اس‌اندپی گولاب برای سپتامبر نشان می‌دهد شاخص ترکیبی فعالیت اقتصادی آمریکا از ۵۶ در ۲ ماه اخیر به ۵۸٫۴ رسیده؛ یعنی بالاترین سرعت گسترش فعالیت کسبجو کارها در ۵ سال اخیر. رشد اشتغال بنگاه‌ها نیز به بالاترین سطح بیش از ۴ سال گذشته رسیده و هزینه نهاده‌های تولید نزدیک سریع‌ترین آهنگ ۴ سال اخیر افزایش یافته است. به زبان ساده، اقتصاد آمریکا هم‌زمان ۲ پیام می‌فرستد: اول اینکه هنوز قدرت خرید و تقاضا دارد و دوم، قیمت تمام‌شده تولید دوباره در حال فشار آوردن است. این همان ترکیبی است که بانک

مرکزی دوست ندارد ببیند.

«مایکل بار» عضو هیات‌مدیره فدرال رزرو ۲ هفته پیش گفت تورم بالاتر از هدف ۲ درصدی قرار دارد و روند بازگشت آن به هدف نیز روشن نیست. او بر این اساس نتیجه گرفت در سناریوی پایه خود، انتظار دارد تعدیل‌های بیشتری در سیاست پولی لازم باشد. این سخن از این جهت اهمیت دارد که یکی از اعضای تصمیم‌گیر رسماً از احتمال نیاز به انقباض بیشتر سخن می‌گوید.

«جان ویلیامز» در فدرال رزرو نیویورک و «آنا پالسون» در فیلادلفیا نیز از احتمال افزایش دیگری تا پایان سال گفته‌اند. با وجود اختلاف در شدت و زمان اقدام، جهت عمومی مواضع روشن است: پرورنده تورم برای فدرال رزرو مهم است.

■ **نفت آغاز ماجراست**

در نگاه نخست ممکن است گفته شود نفت سهم محدودی از سبد تورم آمریکا دارد. این سخن تا زمانی درست است که افزایش قیمت سوخت در پمپ بنزین متوقف بماند، مشکل از زمانی آغاز می‌شود که گازوئیل گران وارد کامیون، مزرعه، معدن، کارخانه، انبار و فروشگاه شود.

گازوئیل در جنگ، مسیر عبور حدود یک‌پنجم نفت و گاز طبیعی مایع جهان بود. داده‌های کشتیرانی مورد استناد رویترز نشان می‌دهد رفت‌وآمد قابل مشاهده کشتی‌ها در هفته‌های اخیر به‌شدت کاهش

این یافته‌ها بازتاب‌دهنده آن است که جامعه صهیونیستی خود را محاصره بن‌بست‌های هویتی می‌بیند. احساس اضطراب فراگیر، بی‌اعتمادی مطلق به نهادهای کلبیدی و کینه طبقاتی – فرهنگی متقابل، وضعیتی را پدید آورده که دیگر هیچ روایت مشترکی برای زیست در کنار یکدیگر باقی نگذاشته است.

■ **نزاع بنیادین حریدی – سکولار؛ جنگ تن‌به‌تن در محله‌های اشغالی**

بارزترین مظهر قطبی‌شدگی اجتماعی در رژیم صهیونیستی، تشدید بی‌سابقه تقابل میان اقلیت ارتدکس افراطی (حریدی‌ها) و جریان سکولار است؛ نزاعی که پس از صدور احکام دیوان عالی رژیم مبنی بر لغو معافیت‌های تاریخی مذهبی‌ها از خدمت در ارتش، وارد فاز اصطکاک خشن خیابانی شده است.

جامعه سکولار که بدنه اصلی تولید اقتصادی، نخبگی دانشگاهی و بار حضور در میدان‌ها را بر دوش دارد، جامعه حریدی را انگل‌های مدنی و بار سنگینی بر دوش جامعه می‌بیند که با وجود تغذیه از بودجه‌های دولتی و یارانه مدارس دینی، هیچ احترامی برای قوانین موضوعه قائل نیستند. در نقطه مقابل، حریدی‌ها سبک زندگی سکولارها را ارتداد و فساد دانسته و برای نظام اداری و قضایی رژیم هیچ‌گونه مشروعیت شرعی قائل نیستند. درگیری‌های فیزیکی بیابی در خیابان‌های قدس، مسدود کردن جاده‌ها توسط جوانان مذهبی و تبادل ریکت‌ترین توهین‌ها میان این دو بخش از جامعه نشان می‌دهد پدیده قرارداد اجتماعی در این ساختار ملغی شده است. زمانی که ۲ بخش عمده یک جامعه، یکدیگر را مانع بقای خود بداند و حتی نتوانند بر سر پایه‌ای‌ترین وظایف عمومی به توافق برسند، سخن گفتن از جامعه به مفهومی منسجم، توحمی بیش نیست.

■ **صف آرای نژادی و باز تولید عقده‌های تاریخی**

بر خلاف تبلیغات دهه‌های پیشین مبنی بر – از میان رفتن تمایزات قومی در پرتو صهیونیسم، گسل کهنه میان اشکنازی‌ها (یهودیان غربی) و میزراحی‌ها (یهودیان شرقی و آفریقایی‌تبار) بار دیگر با خشونتی مهارنشدنی دهان باز کرده است. میزراحی‌ها که دهه‌ها طعم تبعیض ساختاری، نگاه تحقیرآمیز نخبگان اروپایی‌تبار و به حاشیه‌رانده‌شدن در ساختارهای اداری، قضایی و دانشگاهی

را چشم‌پداهند، اکنون پایگاه اصلی راست‌گرایان افراطی را تشکیل می‌دهند.

چهره‌هایی نظیر بن‌گوبر و اسموتریچ با تحریک هدفمند کینه‌ها و عقده‌های فروخورده تاریخی میزراحی‌ها علیه طبقه حاکم و اشراف سابق اشکنازی، صحنه مدنی را به عرصه انتقام‌جویی قومیتی بدل کرده‌اند. خیابان‌های تل‌آویو دیگر صرفاً صحنه تظاهرات سیاسی نیست، بلکه به عرصه صف‌آرایی ۲ فرهنگ، ۲ خاستگاه تمدنی و ۲ درک ناهمساز از هویت تبدیل شده است. اشکنازی‌های سکولار ساکن کابلان، ساکنان مناطق حاشیه‌ای و هواداران راست تندرو را فاشیست، بدوی و دشمنان مدنیت می‌نامند و در مقابل، راست‌های شرقی‌تبار، مخالفان خود را خائنانی متکبر و غریب‌زده می‌دانند که لیاقت زندگی در این سرزمین را ندارند. این میزان از ان‌جار نژادی درون‌سیستمی، عملاً جامعه را به جمیع‌الجزایری از قبایل متخاصم مبدل کرده که اشتراک هویتی آنها به صفر رسیده است.

■ **بن‌بست قضایی و دگردیسی به یک‌دیگتا‌نوری فاشیستی متنازع** تلاش کابینه افراطی برای تحدید اختیارات دستگاه قضایی که در نظر سنجی JPPI نیز به عنوان دومین عامل مهم رأی‌دهی ثبت شده، در باطن خود، نقطه‌لوح جنگ بر سر بازتعریف ساختار اجتماعی بود. جامعه صهیونیستی اکنون به ۲ بلوک متصلب و آشتی‌ناپذیر تقسیم شده است: ۱– بلوک اقتدار‌گرای مسیح‌گرایانه شامل مذهبی‌های ارتدکس، صهیونیست‌های ملی‌گرا و شهر کنش‌نشان تندرو کرانه باختری که معتقدند تفوق ایدئولوژی صهیونیسم ارتدکس و یهودی‌سازی مطلق بر هر گونه استاندارد مدنی و سکولار تقدم دارد. ۲– بلوک شبه‌لیبرال و سکولار که هرچند ماهیتی کاملاًاشغال‌گراانه دارند اما حفظ پویسته‌نمندانده و نمادهای کلذب دموکراسی غربی را شرط ادامه تنفس این موجودیت در جهان می‌دانند. این دو بلوک به مرحله‌ای از بن‌بست رسیده‌اند که مکانیسم‌های حل اختلاف درون‌ساختاری کارایی خود را از دست داده است، از نظر جامعه‌شناسی، وقتی نهاد قضاوت‌کننده بی‌طرف در یک سرزمین فروپاشد و هر قانونی، دستکاری خصمانه توسط طرف مقابل تلقی شود، مرهله پس از آن انومی اجتماعی و

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۰۲۷۹۱۳۷۹۲@vatanemrooz
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
نمابر: ۰۲۷۹۱۳۷۹۲
چاپ:ایران کهن

از قبل قیمت را بالا می‌برد، سرمایه‌گذار بازده بالاتری مطالبه می‌کند و وام‌دهنده نرخ بیشتری طلب می‌کند. تورم از این مسیر می‌تواند بخشی از نیروی خود را باز تولید کند.

همین موضوع توضیح می‌دهد چرا اعتبار فدرال رزرو برای تصمیم جلسه پیش رو اهمیت دارد. اظهارات مقامات پولی نشان می‌دهد با توجه به فضای حاکم بر اقتصاد آمریکا و روند تقریباً روشن آینده، افزایش نرخ را امری غیرضروری نمی‌دانند اما این بازی یک خطر ظریف دارد: اگر بازار تقریباً مطمئن شود فدرال رزرو نرخ را بالا خواهد برد، خود بانک مرکزی ممکن است اسیر انتظار ساخته‌شده شود؛ عقب‌نشینی ناگهانی می‌تواند پیام ضعف در مبارزه با تورم بفرستد و همراهی با بازار نیز شاید اقتصاد را بیش از حد منقبض کند. برخی نیز این هشدار را داده‌اند که نبود راهنمایی روشن از سوی رئیس فدرال رزرو می‌تواند سبب شود بازار هر داده قوی را دلیل افزایش تازه نرخ بهره تلقی کند.

■ **سایه سیاست بر اقتصاد**

نشست بعدی فدرال رزرو ۲۷ و ۲۸ اکتبر (اوایل آبان) برگزار می‌شود و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا سوم نوامبر (۱۲ آبان) است. هم‌زمانی ۲ تاریخ، تصمیم اقتصادی را وارد محیطی سیاسی کرده است. فدرال رزرو بر استقلال خود تأکید دارد و سابقه آمریکانیز نشان می‌دهد این نهاد در آستانه انتخابات، هنگامی که داده‌های اقتصادی اقتضا کرده، نرخ‌ها را تغییر داده است.

با این حال دونالد ترامپ از تصمیم افزایش نرخ انتقاد کرده و خواهان هزینه‌استراض بسیار پایین‌تری است. در نتیجه هر افزایش دیگری در فاصله چند روز مانده به انتخابات با جدل سیاسی همراه خواهد شد، رویترز گزارش کرده که نگرانی از هزینه زندگی در افکار عمومی آمریکا برچسته شده و افزایش پهای سوخت نیز به این فشار دامن زده است.

بخش مهم داستان این نیست که این وضعیت به سود کدام حزب آمریکایی تمام می‌شود. نکته مهم‌تر محدود شدن آزادی عمل سیاست‌گذار آمریکایی است. دولت از یک سو با نارضایتی ناشی از گرانی انرژی و مسکن روبه‌رو است و از سوی دیگر کاهش زودهنگام نرخ بهره می‌تواند تورم را تشدید کند. بانک مرکزی نیز برای کنترل تورمی که بخشی از آن منشأ سمت عرضه دارد، ناچار است به ابزار تقاضایی خود متوسل شود. این همان دست‌یستگی اقتصادی است که یک شوک انرژی طولانی می‌تواند ایجاد کند.

■ **فرجام سخن**

تا نشست بعدی فدرال رزرو هنوز ۲ دسته داده مهم منتشر خواهد شد؛ گزارش تازه بازار کار و ارقام تورم ماه گذشته. اگر قیمت انرژی آرام نگیرد، زمینه افزایش دوباره نرخ بهره محکم‌تر خواهد شد اما اگر نفت عقب بنشیند و نشانه‌های کاهش تورم آشکار شود، فدرال رزرو فضای بیشتری برای مکث پیدا می‌کند.

پس شمارش معکوس اکثبر در ساختمان فدرال رزرو آغاز شده اما بخشی از پاسخ معادله بیرون آن ساختمان قرار دارد. بانک مرکزی آمریکا می‌تواند نرخ بهره را از ۴ درصد به ۴٫۲۵ درصد یا بالاتر ببرد، می‌تواند اعتبار را گران و بازار مسکن را سرد کند، می‌تواند از مصرف و سرمایه‌گذاری بکاهد تا سرعت گردش قیمت‌ها کمتر شود اما چیزی که قادر به انجامش نیست، ایجاد امنیت در خلیج فارس، افزایش فوری ظرفیت پالایش گازوئیل یا پایان دادن به شوک عرضه نفت است. همین محدودیت، مرز میان سیاست پولی و واقعیت ژئوپلیتیک را نشان می‌دهد. تا زمانی که گلوگاه انرژی آرام نگیرد، کاهش پایدار تورم آمریکا سخت‌تر و مسیر کاهش نرخ بهره دورتر خواهد بود. هر چند حل مساله انرژی به تنهایی برای بازگرداندن تورم به ۲ درصد کافی نیست.

اقتصاد آمریکا در ماه‌های پیش رو شاید تصویری کم‌سابقه ارائه کند. فدرال رزرو برای خاموش کردن آتش قیمت‌ها آب بیشتری روی تقاضا می‌ریزد، در حالی که بخشی از هیزم همچنان از بیرون اقتصاد آمریکا می‌رسد.

نتایج تازه نظرسنجی JPPI درباره وضعیت اجتماعی رژیم صهیونیستی و اهمیت کم‌سابقه انتخابات پیش‌رو

اسرائیل در محاصره گسل‌ها

آماده‌سازی برای نزاع تن‌به‌تن است؛ پدیده‌ای که علام آن در شعارنویسی‌های حاوی تهدید به ترور رهبران ۲ جناح و زد و خوردهای روزمره مشهود است.

■ **فرایش سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی و یأس توده‌ای** داده‌ها نشان می‌دهد تنها ۴ درصد مردم وضعیت اجتماعی را خوب می‌دانند، یک‌فاجعه آماری و نشانه‌ای از فروپاشی تم‌لانده‌های سرمایه اجتماعی است. عمیق‌تر شدن نزاعی روانی، افزایش خشونت‌های خانگی، احساس تنهایی وجودی و فروریختن مفهوم امنیت روانی مشترک، به روان‌پریشی جمعی در میان ساکنان اراضی اشغالی اامن زده است. تبار نامتجانس صهیونیست‌ها که زم‌لی با یک پناهگاه‌سازی دروغین گره هم آمده بودند، اکنون درمی‌یابند که حتی در محله‌های خود احساس امنیت اجتماعی ندارند. دیوارهای روانی بلندی که میان شهرک‌های مذهبی، شهرهای سکولار، مناطق عرب‌نشین و مجتمه‌های حاشیه‌ای کشیده‌شده، جامعه را دچار فروپاشی درم‌محور کرده است؛ وضعیتی که در آن پیوندهای ارگانیک قطع شده و هر فرد تنها در تلاش برای بقای شخصی خود در میان گرداب بحران‌هاست.

■ **مهاجرت معکوس؛ واکنش جامعه‌شناختی به مرگ رؤیای صهیونیسم** در نتیجه این گسست روانی و قطبی‌شدگی حاد، مهاجرت معکوس به اصلی‌ترین کنش اجتماعی نخبگان و جوانان تبدیل شده است. سن‌مطر آسیب‌شناسی اجتماعی، هنگامی که تعلق به خاک و هویت ملی پوشالی باشد، اولین واکنش جامعه به بحران‌های حل‌نشدنی، گریز است.

بر خلاف روایت‌های رسمی رژیم، خروج ده‌ها هزار پزشک، مهندس، دانشمند و نیروی متخصص همراه با سرمایه‌های‌شان، یک انتخاب رفاهی نیست؛ این پدیده رآی با یا به نشانه ناامیدی مطلق از قابلیت‌اصلاح جامعه است. خانواده‌های سکولار با نگاه به خیابان‌های اشغالی متصور نیستند و احساس غربت در خانه به گرفتارن غالب قشر نخبه بدل شده است. فرار استعدادها، سرعت یوکی استخوان اجتماعی رژیم را مضعاف کرده و بافت سکولار را در برابر تندروی‌های فزاینده جریان مذهبی روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌کند.

بقای هر موجودیت سیاسی به انسجام اجتماعی، سرمایه نمادین، مشترک و قرارداد اجتماعی مورد پذیرش همگان وابسته است. رژیم اشغالگر قدس از بدی‌پیدایش نامشروع خود بر پایه یک مغالطه هویتی شکل گرفت؛ تلاش برای گردآوری مهاجرانی با زبان‌ها، فرهنگ‌ها، سطوح طبقاتی و نژادهای کاملاًنامهمگون از سراسر جهان و قالب‌ریزی آنها درون پروژه جعلی «کوره مذاب». امروز پس از دهه‌ها سرمایه‌گذاری برای خلق یک کلیت واحد، این ملغمه مصنوعی با چنان شدتی دچار شکاف‌های منقطع و قطبی‌شدگی بنیادین شده که جامعه صهیونیستی را عملاً در آستانه فروپاشی اجتماعی و یک انفجار غیرقابل مهار از درون قرار داده است.

■ **آمار رسواگر JPPI؛ اعلام رسمی مرگ همبستگی جمعی** تازه‌ترین داده‌های پیمایشی مؤسسه سیاست مردم‌پهود (JPPI) که در ۱۴ سپتامبر منتشر شد، سندی غیرقابل انکار از فرسایش و اضمحلال حیات اجتماعی در اراضی اشغالی است. این پژوهش که داده‌های آن در روزهای اول تا سوم سپتامبر استخراج شده، واقعیت جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که در درون تهی شده و امید به بقای مدنی را کاملاً از دست داده است. ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان، وضعیت سال گذشته را از نظر اجتماعی صراحتاً بد ارزیابی کرده‌اند و تنها ۴ درصد وضعیت اجتماعی را خوب توصیف کرده‌اند؛ آماري که از محو کامل حس رضایت و امید به پیوند ملی حکایت دارد.

این در حالی است که ۴۰ درصد، انتخابات پیش‌رو را مهم‌ترین انتخابات تاریخ رژیم خوانده و ۴۱ درصد دیگر آن را به‌ویژه مهم دانسته‌اند. به زبان ارقام، بیش از ۸۱ درصد ساکنان، آینده سیاسی و انتخاباتی را نه یک دگرگونی عادی در هرم قدرت، بلکه یک گلوگاه مرگ و زندگی برای تعاریف پایه جامعه می‌دانند. پاسخ‌دهندگان، اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده در آرای خود را فراتر از مقوله‌های روزمره، به مساله وحدت اجتماعی، شکاف کابینه و دستگاه قضایی و مساله امنیت پیوند زده‌اند.



فاطمه یوسفی